

واکنش زبانه‌و لیبعد سعودی  
به تحقیر عربستان توسط ترامپ  
**او می خواهد  
گاو باشد**



صفحه ۱۵

### تیتراژ امروز

گزارش «وطن امروز» از جزئیات رزمایش بزرگ سپاهیان محمد رسول الله ۲ و گسترده ترین پروژه محرومیت زدایی بسیج در کشور

## بسیج خدمت



صفحه ۵

۳ روز بعد از عذرخواهی آقای «یادان هست»

## نوبخت هم عذرخواهی کرد

صفحه ۲

«وطن امروز» از نرخ‌های متنوع و کاهش قیمت دلار در بازار گزارش می‌دهد

## آرامش پاییزی در بازار ارز

صفحه ۳

سفارت آلمان هنوز باسخی به دلایل رد پروا دید برخی متقاضیان ایرانی نمایشگاه فرانکفورت نداده است

## میزبان علیه میهمان!

صفحه ۲

بارش شدید باران وضعیت ۴ استان راجع ایرانی کرد

## جان باختن ۷ نفر در سیل شمال

صفحه ۴

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در نامه‌ای به علی لاریجانی و نمایندگان مجلس نسبت به عواقب تصویب FATF هشدار داد

# آزمون آقای رئیس

صفحه ۲



مکس زهر حسین خیرگزار دانشجو

اصلاحات در مکانیزم تحریم‌ها، تاکید می‌کند در صورت عدم توجه به هشدارها، «مزیت متقارن» تحریم‌ها در آینده به «آسیب‌پذیری نامتقارن» ایالات متحده تبدیل خواهد شد. آنچه تحلیل کارشناسان اقتصادی در خصوص تحریم‌های پس‌برجام به‌خصوص قانون HR.3364 موسوم به کانتسا نشان می‌دهد و اتفاق ریچارد نیوی نیز در کتاب «هنر تحریم‌ها» بر آن تاکید می‌کند، این است که مهم‌ترین وجه تفاوت تحریم‌های جدید با تحریم‌های قبلی این است که نسل جدید تحریم‌ها، برخلاف قبلی‌ها که «موضوعی» بودند، «مصداقی» هستند. یعنی در تحریم‌های قبلی ذات یک موضوع ممنوع می‌شد یا لیست‌گذاری تحریمی به نحوی بود که نقاط اساسی فروش نفت یا انتقال مالی کلا فروپاشد (تحریم‌های فلج‌کننده) اما در نسل جدید تحریم‌ها به دلیل ترس از عدم همکاری و همبازی جامعه بین‌الملل، لیست مصادیق اشخاص حقیقی یا حقوقی موثر در هر موضوع فشار تنظیم می‌شود، بدون اینکه لزوماً همه چارچوب حقوقی مورد تهاجم قرار بگیرد. بنابراین استراتژی جدید تحریمی آمریکا نه تنها همراهی شرکت‌های خارجی را در تحریم ایران بیشتر خواهد کرد (به عنوان بخشی از پیشنهادها ریچارد نیوی)، بلکه به جلب همکاری نهادهای داخلی ایران نیز کاملاً امید بسته است. طبیعتاً بررسی جزه به جزه بندهای کنوانسیون‌ها و الزامات FATF هم لازم و هم شدنی است اما با محدودیت‌های موجود در این نوشتار، سعی شد به اهم مواردی که پیش از سایر موضوعات محل چالش است پرداخته شود ولی در کنار این موارد، ذکر نکات تکمیلی نیز ضروری به نظر می‌رسد.

در شرایطی که مقام معظم رهبری صراحتاً با پذیرش الزامات FATF مخالفت کرده‌اند، شورای نگهبان نیز به عنوان مقام ناظر بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام (که برخلاف فضا سازی رسانه‌ای جریان اصلاحات، قانون علاوه بر حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان، صلاحیت این نهاد را جهت نظارت بر سیاست‌های کلی نظام به رسمیت شناخته) مخالفت و در شرایطی که فکت‌های مهم و مستند درباره موضوع FATF وجود دارد که برخلاف القائات نمایندگان حامی تصویب آن است، چرا جریان حامی تصویب FATF سعی دارند نظرات خود را از زبان رهبری بیان کنند؟ بنا بر آنچه دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح می‌کند، چرا مجلس شورای اسلامی و در راس آنها رئیس مجلس پس از مواجهه با مخالفت قاطع با لایحه دولت توسط هیات عالی نظارت بر مجمع تشخیص مصلحت نظام...

اصلاحات در مکانیزم تحریم‌ها، تاکید می‌کند در صورت عدم توجه به هشدارها، «مزیت متقارن» تحریم‌ها در آینده به «آسیب‌پذیری نامتقارن» ایالات متحده تبدیل خواهد شد. آنچه تحلیل کارشناسان اقتصادی در خصوص تحریم‌های پس‌برجام به‌خصوص قانون HR.3364 موسوم به کانتسا نشان می‌دهد و اتفاق ریچارد نیوی نیز در کتاب «هنر تحریم‌ها» بر آن تاکید می‌کند، این است که مهم‌ترین وجه تفاوت تحریم‌های جدید با تحریم‌های قبلی این است که نسل جدید تحریم‌ها، برخلاف قبلی‌ها که «موضوعی» بودند، «مصداقی» هستند. یعنی در تحریم‌های قبلی ذات یک موضوع ممنوع می‌شد یا لیست‌گذاری تحریمی به نحوی بود که نقاط اساسی فروش نفت یا انتقال مالی کلا فروپاشد (تحریم‌های فلج‌کننده) اما در نسل جدید تحریم‌ها به دلیل ترس از عدم همکاری و همبازی جامعه بین‌الملل، لیست مصادیق اشخاص حقیقی یا حقوقی موثر در هر موضوع فشار تنظیم می‌شود، بدون اینکه لزوماً همه چارچوب حقوقی مورد تهاجم قرار بگیرد. بنابراین استراتژی جدید تحریمی آمریکا نه تنها همراهی شرکت‌های خارجی را در تحریم ایران بیشتر خواهد کرد (به عنوان بخشی از پیشنهادها ریچارد نیوی)، بلکه به جلب همکاری نهادهای داخلی ایران نیز کاملاً امید بسته است. طبیعتاً بررسی جزه به جزه بندهای کنوانسیون‌ها و الزامات FATF هم لازم و هم شدنی است اما با محدودیت‌های موجود در این نوشتار، سعی شد به اهم مواردی که پیش از سایر موضوعات محل چالش است پرداخته شود ولی در کنار این موارد، ذکر نکات تکمیلی نیز ضروری به نظر می‌رسد.

## فکت‌های FATF و لزوم اجماع ملی

Identifying and Freezing terrorist assets in line with the relevant United Nations Security Council resolutions

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که به لیست ۹ صفحه‌ای تحریم قطعنامه ۲۲۳۱ که سال ۲۰۱۵ تصویب شده توجه کنیم. این لیست شامل ۴۳ شخص حقیقی از جمله سردار قاسم سلیمانی، سردار یحیی رحیم‌صفوی، سردار محمد رضا نقدی و همچنین ۷۸ نهاد حقوقی است که مهم‌ترین آنها سازمان صنایع دفاع، گروه صنایع موشکی کروز، مرکز تحقیقات علمی و تکنولوژی دفاعی، دانشگاه مالک اشتر و سایر زیرمجموعه‌های وزارت دفاع به علاوه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا به همراه تمام زیرمجموعه‌های آن مثل سپانیر، سپاسد، قرب نوح(ع)، قرب کربلا و... است. دقت شود این لیست مربوط به قطعنامه ۲۲۳۱ است که همچنان جاری و ساری است و نه مربوط به ۶ قطعنامه‌ای که پیش از این تعلیق شده‌اند.

چهارم - واحد مستقل انتقال اطلاعات

در بند چهارم از شروط نه‌گانه بیانیه پاریس از لزوم استقلال واحد اطلاعات مالی FIU سخن به میان آمده است.

Ensuring the full independence of the Financial Intelligence Unit.

در این صورت در صورت درخواست اطلاعات مالی هر شخص یا نهاد توسط هر یک از دولت‌ها از جمله آمریکا و اسرائیل، واحد FIU وزارت اقتصاد بدون هرگونه ملاحظاتی ملزم به ارائه اطلاعات خواهد بود.

پنجم - حق تحفظ

در بند ۳۶ توصیه‌های ۲۹ FATF موسوم به Recommendations FATF تصریح شده که کشورها ملزم به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۹ وین، کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون تامین مالی تروریسم موسوم به TF یا همان CFT مصوب ۱۹۹۹ هستند. از طرفی دولت حسن روحانی در هنگام ارائه لایحه چهارگانه، مدعی حق تحفظ حاکمیت ایران، متناسب با ملاحظات ملی در اجرای مفاد کنوانسیون‌های FATF شده بود؛ به طور مثال بر به رسمیت شناخته شدن فعالیت نهضت‌های آزادی‌بخش و مبارزات گروه‌های مقاومت تاکید کرده بود. این در حالی است که بند ۶ کنوانسیون CFT یا International Convention for Suppression of the Financing of Terrorism که کشورها را ملزم به ایجاد بستر قانونی برای انجام اقدامات لازم در جهت مبارزه با تروریسم (با تعریف FATF) کرده

اصولاً یکی از موارد حیاتی در پیشرفت هر کشوری انباشت تجربه‌های تاریخی آن ملت است که در آینده آن تعیین‌کننده خواهد بود و طبیعتاً بخشی از این تجربه‌های تاریخی نیز مربوط به عرصه خارجی و شناخت منطقی روابط بین‌الملل و بازیگران اصلی آن است. از این حیث توافقنامه برجام، چالش حفظ یا برچیدن صنعت هسته‌ای، نحوه تعامل و امتیازدهی به غرب و امید داشتن به قوانین و معاهدات بین‌المللی برای احقاق و حفظ حقوق ملی در جنگلی که فقط «قدرت» در آن تعیین‌کننده است، تجربه تاریخی مهمی برای جمهوری اسلامی رقم زده که غفلت از آن می‌تواند در آینده نیز هزینه‌های گزافی به کشور تحمیل کند. ما در برجام و نحوه انعقاد قراردادهای بین‌المللی حداقل ۳ تجربه تاریخی آموختیم (که البته پیش از آن توسط منتقدان به دولت گوشزد شده بود): اولاً انجام تعهدات و تحقق وعده‌ها گام و متناسب باشد، ثانیاً تضمین کافی برای تحقق وعده‌ها اخذ شود و ثالثاً امکان بازگشت‌پذیری با کمترین هزینه میسر باشد.

این روزها نیز یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که فضای سیاسی کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کند موضوع FATF و اجرای Action Plan آن توسط ایران است و بیجا نیست اگر آن را یکی از اصلی‌ترین چالش‌های قانونی ۴۰ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدانیم که اغلب نهادهای تصمیم‌گیر نظام را درگیر خود کرده است؛ موضوعی که بحق در حفظ امنیت آینده کشور تعیین‌کننده خواهد بود. اگرچه FATF یک کارگروه با مجمع بین‌الدولی است و کنوانسیون‌ها و الزامات آن با یک قرارداد چندطرفه بین‌المللی متفاوت است اما بهره‌گیری از تجربیات معاهده برجام، قطعاً در موضوع FATF مفید خواهد بود. در ادامه چند فکت مهم که با توجه به نحوه موضع‌گیری برخی نمایندگان مجلس و اعضای هیات دولت به نظر می‌رسد از آنها غافل هستند، تشریح می‌شود.

یکم - تعهد گام به گام

ایران بلافاصله پس از امضای برجام، بدون طی روال قانونی و تایید مجلس و سایر نهادهای ذی‌صلاح، ژوئن ۲۰۱۶ با بالاترین تعهدات سیاسی (طبق بیانیه بوسان و پاریس، Iran's High-Level Political Commitment) توسط وزیر وقت اقتصاد، تلاش خود را برای اجرای الزامات FATF آغاز کرد و از نوامبر ۲۰۱۷ یک سیستم شفاف‌سازی جریان نقدی ایجاد کرده و پیش‌نویس اجرای الزامات قانونی پولسویی (AML) و مبارزه با تروریسم (CFT) را اجرا کرده است. اولاً دولت باید بابت زیر پا گذاشتن قانون اساسی (اصول ۷۷ و ۱۲۵ مربوط به تایید تعهدات بین‌المللی توسط مجلس شورای اسلامی)

دیدگاه

## حرفه FATF

حسن رضایی

معمولاً رسم بر این است که وقتی دست راست کسی درد می‌کند، به لاله گوش چپش دستمال نمی‌بندند! در مسائل سیاسی، اجتماعی و کلان اما اعضای مختلف، همیشه اینقدرها مشخص و هویدا نیست. لذا به سادگی آب خوردن می‌توان گودرز را به شقایق پیوند زد و به جرم آهنگر بلخی، مسگر شوشتری را زیر ظل آفتاب، در ملا عام گردن زدا چنین واقعیتی در دنیای خارج، نمونه‌های فراوانی دارد. دم‌دستی‌ترین نمونه جانسون از اما حتماً همین گروه زند حل حوالی کلخ سفید، انگار اما خواب ولو «آب خوردن مردم» به رفع تحریم‌ها، اتصال «چرخ زندگی مردم به چیزی مثل ساترنفیوز» و دیگر ارتباطات خلق شده در همین حوزه طی سال‌های اخیر است. با وجود تجربه تلخ برجام، هنوز هم کسانی هستند که معتقدند آب خوردن ما منوط به اشاره بعضی هاست، لذا همچنان در حوالی کلخ سفید، الیزه و پاکینگهام دنبال چشمه‌ای زلال برای سد عطش ملت ایران می‌گردند!

ما اما کم از آب این چشمه‌ها نوشیده‌ایم؛ قاجاریه در حوالی لندن و سن‌پترزبورگ و پهلوی در برلین، واشنگتن، لندن، اینجا و آنجا آب برای‌مان پیدا کرده بودند! آب‌هایی که هر چه می‌خوریم، تشنه‌تر می‌شدیم. هم ما، هم ارباب چشمه! ما به آن آب شور و لجن، او به بیشتر مکیدن خون‌مان! لذا این شد که تصمیم گرفتیم به جای واگذاری امتیازات روتر، گلستان، ترکمنچای، لاتاری، داری، تالیوت، ۱۹۱۹، کنسرسیوم، کاپیتولاسیون و صد‌ها عهدنامه ننگین دیگر، خون بدهیم! نه یکی و دوتا. ۳۰۰ هزار تا! ۳۰۰ هزار خونی که هنوز داغی‌شان بر سردر کوچه‌های‌مان حس می‌شود. تصمیم گرفتیم خون بدهیم تا دیگر هیچ کسی در این مملکت به اسم استعمار (آبادانی!) و کمک به حل مشکلات اقتصادی کشور و مردم، به بیگانگان باج سبیل ندهد. انگار اما خواب بودیم که همین دیزور کسانانی در یک ارتجاع تاریخی، دوباره ما را به دوران گذشته بردند تا یگانه راه‌حل تمام مشکلات کشور را باز هم امتیاز دادن به اجنبی‌ها جایزنند.

ما هم گویی این تاریخ اساساً تاریخ ما نیست، به همین نگاه رای دادیم و برجام متولد شد. تا باز هم به جای سیراب شدن، هر روز تشنه‌تر شویم!

ادامه در صفحه ۱۲